

١٢٢

دفتر یادداشت‌های
داستایف‌سکی



فیودودور داستایفسکی

اجله

ترجمه بهروز حاجی محمدی

سرشناسه: داستایفسکی، فیودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱-۱۸۸۱ م. Dostoyevsky, Fyodor, 1821-1881
عنوان و نام پدیدآور: دفتر یادداشت‌های ابله/فیودور داستایفسکی [تدوین و مقدمه ادوارد واسیولک]/
ترجمه بهروز حاجی محمدی
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۸۸۶-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: lz arkhiva F.M. Dostoevskogo: Idiot; neizdannye materialy.
یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "The notebooks for the idiot" به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "یادداشت‌های رمان ابله" با ترجمه شاهپور عظیمی توسط انتشارات نیلوفر در همین سال فیبا گرفته است.
موضوع: داستایوسکی، فیودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱-۱۸۸۱ م -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره.
شناسه افزوده: واسیولک، ادوارد، ۱۹۲۴-۲۰۱۸ م، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: حاجی محمدی، بهروز، ۱۳۳۶-، مترجم
رده‌بندی کنگره: PG۳۳۶۰
رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۶۰۵۰۰



■ دفتر یادداشت‌های ابله

فیودور داستایفسکی
ترجمه: بهروز حاجی محمدی
ویرایش: میلاد میناکار
آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۲، ۵۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،
طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

@ketabehparsesh



فهرست

۹	«سخن ویراستار»
۱۱	«پیشگفتار مترجم»
۱۳	مقدمه
۳۷	یادداشت مترجم
۳۹	طرح اول
۶۹	طرح دوم
۸۳	طرح سوم
۱۰۵	طرح چهارم
۱۲۷	طرح پنجم
۱۶۹	طرح ششم
۱۸۳	طرح هفتم
۲۰۵	طرح هشتم
۲۲۱	یادداشت‌های بخش دوم رمان
۳۴۵	یادداشت‌های بخش‌های سوم و چهارم

«سخن ویراستار»

دفتر یادداشت‌های داستایفسکی حاوی تمامی تراوشات ذهنی‌ای است که او حین نگارش رمان‌های سترگش به روی کاغذ آورده است: نوشته‌هایی مبهم، پریشان، پراکنده و سخت‌خوان، اما به قول جوزف فرانک، داستایفسکی پژوه شهیر، «اسنادی ضروری». این‌ها در بردارندهٔ طرح‌ها، الهامات، اندیشه‌های آنی و ژرف اوست که اطلاعات بسیار مفیدی را از سیر خلق شاهکارهایش به دست می‌دهد: احوال و کیفیات پدید آمدن‌شان.

جای خالی این اسناد مهم برای خوانندهٔ فارسی‌زبان به‌ویژه داستایفسکی پژوهان، منتقدان ادبی، نویسندگان و علاقه‌مندان داستایفسکی حس می‌شد. لذا از میان پنج اثر داستایفسکی که دارای دفتر یادداشت هستند، چهارتای آن‌ها به فراخور ضروریاتی در این مجموعه ترجمه شده‌اند: برادران کارامازوف، شیاطین، جنایت و مکافات و ابله.

«پیشگفتار مترجم»

داستایفسکی، نویسنده‌ای شگفت‌انگیز است؛ شخصیت‌های داستانی او نیز عمدتاً چنین‌اند: ترکیبی متضاد، ملموس و در عین حال دست‌نیافتنی، آلیاژی هنوز روان، حیران‌مفاهیمی هنوز مبهم و بی‌تعریف، بی‌پایان: آمیزش عشق و نفرت، آگاهی و ابهام، خودخواهی و از خودگذشتگی، آینه‌شگرف ژرفنای وجود آدمی: چگونه می‌توانی در کنار جسد محبوبه‌ات سر بر شانه‌ی قاتل بگذاری و تراژدی مشترکی را گریه کنی؟ دفتر یادداشت‌های رمان ابله، دریچه‌ای به تالار ذهن داستایفسکی است. یادداشت دقیق مترجم روس و مقدمه‌سودمند و جامع ادوارد واسیولک، این پیشگفتار را از بیان بسیاری از نکات بی‌نیاز می‌کند. در اینجا صرفاً و اجمالاً به چند نکته اشاره می‌کنم: مترجم روس و ویراستار متن انگلیسی به‌درستی، توجه داشته‌اند که اثر حاضر، یادداشت‌های شخصی داستایفسکی برای نگارش متن نهایی رمان بوده است و قهرماً عدول نسبی نویسنده از قواعد نحوی زبان، امری کاملاً موجه و طبیعی است. در این ترجمه، این ویژگی را در نظر داشته‌ام؛ زیرا خواننده را بر فضای عاطفی داستایفسکی در هنگام یادداشت‌نویسی‌هایش نزدیک می‌کند، نویسنده‌ای را می‌بینیم که با شور و پیایی می‌نویسد، واژه‌ها و گاهی عبارات و جمله‌ها را تکرار می‌کند،

سبک و سنگین می‌کند، خط می‌زند، با خودش حرف می‌زند و برای آنکه نکته‌ای مهم را در متن نهایی از قلم نیندازد با جمله‌های امری و علایم پیاپی سجاوندی به خودش هشدار می‌دهد.

در این ترجمه، تمام ترکیب‌بندی و قواعد سجاوندی، مطابق متن انگلیسی حفظ و رعایت شده است. در مواردی ارجاع به متن رمان را مفید دانسته‌ام. ترجمهٔ سر و شبی، متن مبنای من در این زمینه است.

یادداشت‌های داستایفسکی بر رمان ابله از چند منظر برای طیفی از خوانندگان، سودمند است؛ مشتاقان آثار داستانی از خواندن این یادداشت‌ها لذت خواهند برد و احتمالاً به خواندن و کشف دوبارهٔ آن ترغیب خواهند شد؛ علت آن است که این یادداشت‌ها عمدتاً مسیرهای تازه‌ای را پیش روی خواننده می‌گشاید. نویسندگان و اهالی قلم نیز در این نکته بیش از پیش تأمل خواهند کرد که نویسندگی، فرآیند بسیار پیچیده‌ای است که تحقق بسزای آن مستلزم پیشینهٔ استوار فرهنگی، دانش تحلیلی، تجربه‌های متنوع و چندوجهی، و ذهنیتی زاینده و پویاست. دفتر یادداشت‌های رمان ابله به ما نشان می‌دهد که خلق یک اثر ادبی-هنری، فرآیندی چندسویه است که استعداد، صرفاً رکنی از ارکان متعدد آن است. داستایفسکی در تحلیل کنش و رفتار شخصیت‌های داستانی، بارها به عوامل بیرونی، و زیرساخت‌ها و انگیزه‌های درونی شخصیت‌ها اشاره می‌کند. از این منظر، یادداشت‌های حاضر برای دانشجویان ادبیات و هنر، و پژوهشگران و منتقدان ادبی-هنری، به‌ویژه علاقه‌مندان بر نقد روانکاوانه سودمند خواهد بود.

بهر روز حاجی محمدی

شیرود

بهار ۱۴۰۰

مقدمه

۱

رمان ابله در بین تمام رمان‌های داستایفسکی در سخت‌ترین اوقات شکل گرفت. این رمان در خارج از کشور نوشته شد — در جنوا، ووی، میلان، فلورانس، و در آپارتمان‌های سرد، در فقر، بیماری، مصیبت‌های شخصی، غم دوری از وطن، و در نومیدی و چشم‌انتظاری. داستایفسکی که از سوی طلبکارانش به زندان تهدید شده بود و از بیماری رنج می‌کشید در آوریل ۱۸۶۷ به امید بازیابی سلامت و بخت‌آزمایی خود در خارج از کشور، روسیه را ترک کرد. اما مثل همیشه به همان چیزی رسید که از آن می‌گریخت: حمله‌های صرع، بیشتر رخ داد و فقر نیز فزونی گرفت. داستایفسکی و همسر دومش آنا گریگوریوونا در کشورهایی که از نگاه او از نظر معنوی مرده بودند، و در بین مردمی که از آنان بیزار بود با مساعده، قرض و گرو‌گذاری امرار معاش می‌کردند. او در نامه‌ای به برادرزاده‌اش نوشت: «آه، سونچکا! کاش می‌دانستی که نویسنده بودن، حمل این بار چقدر سخت است! شک ندارم اگر برای نوشتن این رمان مثل تورگنیف، گنچارف و تالستوی دو یا سه سال دغدغه‌ای نداشتم اثری می‌نوشتم که صد سال در موردش حرف بزنند! ابداً لاف نمی‌زنم. تو آن قدر مرا خوب

می‌شناسی که بدانی حرف بی‌اساس نمی‌زنم. اندیشه من در این مورد چنان خوب و بارور است که می‌پرستمش. اما چه حاصلی دارد؟ پیشاپیش می‌دانم. هشت یا ۹ ماه در موردش کار خواهم کرد و خرابش خواهم کرد. کاری از این دست، دو یا سه سال وقت می‌برد.» اما او اثری نوشت که صد سال دوام آورده است و صد سال دیگر نیز دوام خواهد آورد. او این اثر را در فواصل تشنج‌های ناشی از غش و قمار نوشت، هنگامی که پولی نبود و امیدی اندک بود. او این اثر را نوشت، زیرا خود این رمان، امید بود؛ کنشی نجات‌بخش بود، کفاره گناهی خردکننده بود که او در عواطف خود ویرانگرش احساس می‌کرد.

داستایفسکی و همسرش تازه به اروپا رسیده بودند — به درسدن و بادن — که او با ولع بخت خود را بر سر میزهای قمار آزمود، همان تلاش بی‌ثمری که دو سال پیش از آن در سفری به اروپا امتحانش کرده بود. همسر صبور و آرام او با بردباری، مشقت‌هایی را ثبت کرد که داستایفسکی، او و خود را در معرض آن قرار داده بود. وقتی که دیگر پولی در بساط نبود، داستایفسکی غارت منظم لوازم خانه و وسایل شخصی را آغاز کرد. پیش از آن، آنا گریگوری‌یونا بیشتر دارایی خود را فروخته بود و برای فراهم‌سازی سفر اروپا تجهیزیه خود را نیز داده بود. حالا داستایفسکی به لباس‌های او، ظروف آشپزخانه، گوشواره‌ها، و حتی به حلقه از دواج او نیاز داشت و در ازای آن از صمیم دل، اشک‌ها و اعترافات پایان‌ناپذیرش به گناه را به پای او نثار کرد. پیامد هیجانات عاطفی، همواره هیجانات ناشی از پشیمانی بود که در طول آن، داستایفسکی آشکارا اشک می‌ریخت و دست و پا و سینه همسرش را می‌بوسید. در نتیجه، این رمان پاسخی به همه چیز است. او در نوامبر ۱۸۶۷ پس از باخت در کازینوی ساکسون — له — بن^۱ (چند ماه پس از شروع رمان ابله) به همسرش نوشت: «حالا فقط این رمان، فقط این رمان ما را نجات خواهد داد. کاش می‌دانستی چقدر در مورث حساب می‌کنم. مطمئن

«هرگز قمار نخواهم کرد» ■ ۱۵

باش که این اتفاق رخ می‌دهد و من تحسین تو را برخوادم انگیخت. من دیگر هرگز، هرگز قمار نخواهم کرد. در ۱۸۶۵ وضعیت مشابهی داشتم. در آن هنگام وضعیتم بدتر بود، اما رمان من از مخمصه نجاتم داد. کارم را با امید و عشق دنبال می‌کنم و تو نتایج آن را در دو سال خواهی دید.» او این نمایش را بارها تکرار کرد. اما به‌ناچار در ۱۸۷۱ پس از یک باخت سنگین، به همسرش نوشت: «آن خیال‌پردازی نادرست که ده سال شکنجه‌ام کرده از بین رفته است. به مدت ده سال (یا شاید از هنگام مرگ برادرم که ناگهان زیر بار قرض خرد شدم) مدام خواب می‌بینم پول قلنبه‌ای گیرم می‌آید. واقعاً هیجان‌زده خواب می‌دیدم. حالا همه‌اش پایان یافته است! حالا می‌خواهم در مورد چیزهایی فکر کنم که باید انجام‌شان بدهم و برخلاف گذشته، تمام شب را به قمار فکر نکنم.» او دیگر هرگز قمار نکرد.

به‌رغم جاذبه‌های موزه‌ها و میزهای قمار، او تابلوی آسیس و گالاتی^۱ اثر کلود لورن را در درسدن و تابلوی مسیح در گور^۲ اثر هانس هولباین را در بازل دید. داستایفسکی نمی‌توانست بدون آلمانی‌ها یا آلمان زندگی کند. او در ملاقات کوتاهی با تورگنیف در تابستان ۱۸۶۷ در شهر بادن، بیزاری خود از پدیده‌های آلمانی را با حمله‌ای تند به جایگاه نازل آلمانی‌ها در مقایسه با عوام روسی نشان داد. آن گفتگو چنان خشک و رسمی بود که آن دو تا هنگام سخنرانی موفقیت‌آمیز داستایفسکی در مورد پوشکین در سال ۱۸۸۰، یعنی اندکی مانده

۱. Acis and Galatea؛ اثری است از نقاش فرانسوی، کلود لورن (Claude Lorrain، ۱۶۸۲-۱۶۰۰).

در اسطوره‌شناسی یونان، گالاتی پری دریایی است که به آسیس دل می‌بندد. پس از قتل آسیس به دست رقیب عشقی، گالاتی خون آسیس را به رودخانه آسیس بدل می‌کند. این اسطوره، دستمایه آثار ادبی و موسیقایی و اپراهای متعددی بوده است. -م.

۲. Christ in the tomb؛ نام کامل این اثر این است: The Body of the Dead Christ in the tomb.

از این اثر دو بار به شکل مبسوط در رمان یاد می‌شود، در صفحات ۳۵۲-۵۴ و ۶۵۲-۵۴ در این مرجع: فیودور داستایفسکی، ابله، ترجمه سروش حبیبی، نشر چشمه، ۱۳۹۹. تمام ارجاعات بعدی به متن فارسی این رمان، معطوف به همین مرجع است و به شکل اختصاری «ابله» خواهد آمد. -م.